



نیاگان ما، در روزگاران پیش از تاریخ، برای آن که سُهشها، پندارها، دستاوردها و اندیشه های خود را نمودار سازند، دست به کاری بس شگرف و شگفت همانا آفرینش دبیره های نگاره یی زدند و از آن گاه که در غارها زندگی می کردند، به هنر نگارگری و نگاره آفرینی دست یافتند.

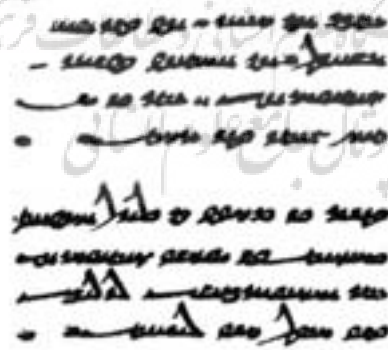
در سرزمین کهن و باستانی ایران، تا کنون چند غار از روزگاران پیش از تاریخ، شناخته شده که پیشینه ی برخ از آنها دست کم به دوازده هزار سال پیش می رسد. نیاگانمان با نمایش دادن اندیشه ها و آرزو ها و خواستهای خود به رومان آفرینی پرداخته اند و می توان گفت نخستین گام را برای شناساندن اندیشه ها، پندار ها، پیش دیدگیها و درپیدگیها، رازها و ندانسته ها وسهشهای خویش به دیگران برداشته، به فراهم کردن دبیره ها و ریختهای گوناگون دست یازیده اند. این ریختها و نگاره ها برآستی پایه و مایه ی پدیداری دبیره ی نگاره گری گردید.

با پژوهش و بررسی در یادمانهای به دست آمده از شارسانیهای کهن و باستانی می توان پی برد که تاریخ پیدایش دبیره در جهان بستگی تنگاتنگ و نا گسستی با پیدایش هنر سفال سازی داشته و دبیره ی نگارین بی گمان هنری برگرفته از دو هنر سفال سازی و نگاره گری بوده است.

آری، ریخت بخشیدن نخستین به گل با ابزارهای استخوانی و چوبی، برآستی پیش درآمد هنر دبیره نویسی بوده است. نوشتن رمزهایی بر روی سفالها، آغازین گام برای پیدایش دبیره بوده است.

پشته و گستره ی ایران کهن، بهری بسزا و فراوان در بر پای شارسانی آغازین گیتی دارد و تنها بخش میان دورود پایه ی همگی نوآوریها و یافته های بنیادین نبوده است.

بیشتر استادان و پژوهشگران بیگانه در نوشته ها و جستارهای خود «آباتا» را از دودمان آریایی می دانند و یادآور شده اند که «نگاره ی سفالها ی دوران کهن، نخستین نوشتار جهان است». آری، نگار و نگارهای سفالهای دوران کهن ایران، نخستین دبیره های آغازی بوده است. بی گمان، اوگ و بلندای هنر سفال سازی که پیشینه ی آن دست کم به بیش از ۱۰۰۰۰ سال پیش بر می گردد، ویژه ی ایرانیان و از دودمانی به نام کاس سی (کاشی) بوده است. پس، ریختها



## نیشتن ما او را پیامهفتند

دلش را به دانش برافروفتند  
(فردوسی)

فراهم آورنده وپارسی نگار : پ. د. آراد

## گفتار

سده ها زندگی آدمی در تاریکی اهریمنی فرو رفته بود و نژادهایی که یکی پس از دیگری پدید می آمد از آن چه بر آدمیان پیش از او گذشته بود، هیچ گونه آگاهی نداشت. تاریخ زندگی و اندیشه و سرنوشت آدمی در دوران گذشته-همانند پیکر او که پس از مرگ در گودالی تاریک خاک سپار می گشت-با اندامش به گور و مگاک فراموشی سپرده می شد.

آدمیان، سده ها کوشیدند تا با نیروی خرد و بینش که پرتو و فروغی آسمانی و بخشایش و سپرده یی خدادادی است، بر تاریکی نادانی و فرمانروایی اهریمن نادانی چیره و پیروز گردند. این فروغ ایزدی که جهان را از تاریکی نادانی و نا آگاهی رهانید و ناگهان زندگی آدمی را دگرگون ساخت، آفرینش و پیدایی «دبیره» بود.

همچنان که خورشید جهانتاب از سرزمینهای خاوری سر برمی آورد، دبیره، این فروغ یزدانی نیز از خورایان زمین برخاست و سراسر گیتی را از پرتو دل انگیز خویش روشنایی بخشید و زندگی پیش از تاریخ آدمی را به دوران تاریخی آن دگرش داد و مایه ی آن شد که امروزه بتوانیم به گذشته ها و دورترین دوره های تاریخ دست یابیم و از اندیشه ها وسُهشها و سرگذشت پیشینیان خود، آگاه شویم و چگونگی زندگی نیاگانمان را ببینیم و از زبان آنان داستانها بخوانیم و بشنویم.



و دبیره های نخستین که به گونه ی دبیره ی نگارین و هیراتیک (آشو دبیره) که دبیره یی نشانه یی و نگاره یی است و باید آنها را دبیره های آغازی خواند و نخست بر روی سفالها پدید آمده است، دبیره یی ایرانی و از پدیده های سفالگران ایرانی بوده است. این هنر و شارسانی از ایران به میان دورود برده شده است. در کاوشهای باستان شناسی که گروههای ایرانی و دانشگاه هاروارد در سال ۱۳۴۶ خورشیدی انجام دادند، گل نوشته هایی به دست آمد که به دبیره ی نگاره گری بود. آزمایش نشان داد که اینها از آن ۴۵۰۰ سال پیش از زادسال ترسایی، همانا ۶ تا ۷ هزار سال پیش است.



افسونگران و جادوگران، سپاهی با دیو سیاه که پیشاپیش ایشان روان بود، به جنگ تهمورس شدند و فریاد ایشان به آسمان خاست.

تهمورس با پیروان آیین «دواها» در جنگ شد و آنان را شکست داد و سالاران و سرداران و سپهدارانشان را به بند کشید. آنان در برابر آزادی خویش گفته دادند که هنر دبیره را که از آن ایشان بود به تهمورس و کسان او بیاموزند. این داستان در شاهنامه ی فردوسی چنین آمده است :

چو دیوان بدیدند کردار او  
کشیدند گردن زگفتار او  
.....

کشیدندشان خسته و بسته خوار  
به جان خواستند آن زمان زینهار  
که مارمکش تا یکی نوهنر  
بیاموزی از ماکت آید به بر  
کی نامور دادشان زینهار  
بدان تانهانی کند آشکار  
چو آزادشان شد سر از بند او  
بجستند ناچار پیوند او  
نبشتن مراو را بیاموختند  
دلش را به دانش برافروختند  
نبشتن یکی نه که نزدیک سی  
چه رومی چه تازی و چه پارسی  
چه سغدی چه چینی و چه پهلوی  
نگاریدن آن کجا بشنوی  
.....

کامه ی فردوسی، بخرد فرزانه ی توس، این است که همه ی دبیره ها که در میان مردمان و دوده ها و سرزمینهای دیگر پخش شد، سر چشمه و پایه اش از دیوها بود. آری، در داستان دبیره در ایران، پیدایش دبیره را به تهمورس پسر ویونگهان (هوشنگ) که یکی از پادشاهان پیشدادی است، پیوسته اند. در بیشتر دبیره های تاریخی ایران، پیدایی این هنر (دبیره) را به تهمورس دیوبند وابسته می دانند.

پیش از اوستا و وداها، در کهنترین روزگاران و باستانی ترین زمانها که هنوز اندازه یی برای آن گفته و نوشته

پیش از به دست آمدن این گل نوشته ها، شارسانی چهارم اروک میان دورود را آغاز پیدایش دبیره می پنداشتند، لیک با به دست آمدن این مانداکها و کاوشها ی باستان شناسی دربرخ جاهای ایران روشن شد که مردم سرزمین ایران، بنیادگذار دبیره های آغازین بوده اند. بویژه نگاره گریهای غارها و نگار سفالها و مهره های استوانه یی گلی، همگی نمودی از درستی این دیدمان است. این افسانه و دیدگاهها و دیدمانها تا آن جا پیش رفت که سر انجام روشن شد پیدایش دبیره در ایران بوده و از دورانهای کهن و باستانی به یادگار ماند و سرانجام به یادمانهای پهلوی راه یافت و از آن جا هم به «شاهنامه ی فردوسی».

در این داستان تاریخی از خدای نامک که در شاهنامه بازگو شده است، چنین آمده: هوشنگ را پسری هوشمند بود به نام تهمورس دیوبند که پس از پدر، بر تخت بنشست و کمر به شاهی بر بست. به موبدان گفت: امروز که من به شاهی رسیده ام، بر آنم تا گیتی را از بدیها بشویم و دست دیوان را از هر جا کوتاه سازم و خود بر سراسر گیتی، شاه باشم و هرچه در گیتی سودمند است، بر مردم آشکار گردانم. چون تهمورس برسایبی از بدی پالوده گشت و فره ایزدی از او تابیدن گرفت، پس برفت و به افسون، اهریمن را گرفتار کرد و زین براونهاد و بر وی بنشست و گرد گیتی تاختن گرفت. چون دیوان، کردار او را بدیدند، سر از گفتارش برتافتند و بسیاری از ایشان انجمن کردند تا او را از میان بردارند. تهمورس به فر پروردگار گیهاندار، کمر را ببست و گرز گران برداشت. از آن سوی نیز نره دیوان و



«دبستان» و «دبیر» و به گونه ی «دیو» در «دیوان» و به گونه ی «دیب» در «دیبا، دیباچه» تا امروز در فارسی دری بر جای مانده است.

می دانیم که دبیر به چم «خط نویس» و دبیرستان جایی است که در آن جا «خط» می آموزند. دیوان یا دیوان خانه جایی است که «خط نویسان» آن جا نشینند. این نام «دی پی» به زبانهای اَکدی، بربری و آشوری رفته و در زبان سانسکریت نیز هست و در هیچ یک از زبانها ریشه و بنیاد آن شناخته نشد و تنها در زبان فارسی، وابستگی و همبستگی آن به «دیو» ها آشکار است.

خط های گوناگون را در ایران باستان «دبیره» یا «دبیری» می گفتند، مانند: دین دبیره (خط دینی)، آتشان هماره دبیره (خط شمارشی آخورها)، آهام دبیره (خط همگانی). گفتنی است که هیروگلیف (دین دبیره) همان برگردان «دین دبیره» است که به یونانی رفته است.

چون دبیره از همان آغاز پیدایش برای نمایش داستانهای کیشی و ریخت و نگاره ی جانوران و پرندگان اَشو و سپس برای نیایشها و سرودهای کیشی به کار رفته، خود سو و نگرشی پاک و بزرگی یافته و در «اوستا» برای دبیره و خامه (خط و قلم) از فرشته ی نگهبان یاد شده که نامش «دئنا» است که خودش برگرفته از «دی پی» و «دیویری» است.

یادآوری می شود که نخستین جُنگِ نوشته ها که به گونه ی نوشتار (کتاب) درآمده است، ماتیکانهای آسمانی و کیشی و دینی است، مانند: ریگ ودا؛ گات ها؛ اوستا و سپس تورات و انجیل و قرآن مجید. از همین رو نیز کتاب (نوشتار، ماتیکان، کُراسه) و خط (دبیره) جایگاهی ورجاوند و اَشو و پاک یافته اند.

دبیره ی اوستایی در آغاز به گونه ی نگاری و رومانی بوده است. دانشمندانی دگردیسی این دبیره را یافته و آشکار ساخته اند. پس از «دین دبیره»، دبیره یی برای نوشتن سنگ نوشته ها و فرمانها پدید آمد که بی گمان مادر «دبیره ی میخی» بوده است.

خط (دبیره) میخی نیز نگاره یی و نشانه یی بوده و نزدیک به ۸۰۰ نشان داشته است. این دبیره در ایران پیشینه یی دیرینه دارد. در برخ آوندها، سفالها، زیویه ها و

نشده است، «مهر» نام خداوندگاری آریایی بود. سپس در زمانهایی بسیار پس از آن، نام این خداوندگار بزرگ، در وداها و همچنین در اوستا جایگاهی کوچکتر و پایین تر یافت و ایزدی شد از ایزدان بزرگ آریایی.

در یادمانهای برجای مانده از آیین مهر در اروپا چنین می نماید که مهر نه یک «آدمی» که یک «هستی» برآمده از خداوند است که از دل سنگی درغاری رویید و میانجی مردمان با خداوند شد. برداشتی از این زمینه را ما در «گیل گامش» نیز می توانیم دید.

مهر برای ما ایرانیان آن گاه که به «مهریشت» می نگریم و آن را می خوانیم، در می یابیم که ایزد پیمان است و «حلقه ی» پیمان را به دست مردمان می دهد و به آنان یادآور می شود که مبدا پیمان شکنی کنند و از راستی دوری گزینند.

آری «بغ مهر» ایزد فروغ، نگهبان پیمان، پشتیبان جنگیان و راستگویان و درستکاران است.

هفتمین ماه، «مهر» نامگذاری شده و آن گاه که مهر ماه با مهر روز همراه شوند «جشن مهرگان» است. ایرانیان در

گذشته این جشن را بسیار گرامی می داشتند، این جشن از روز شانزدهم مهر که مهر روز بود، آغاز می شد و تا روز بیست و یکم که رام روز است پایان می گرفت. مهرگان روزی است که به نوشته ی بُن دَهشن مشیا و مشیانه که آدم و حوای آرییان باشد، در آن روز آفریده شده اند. ما نیز امروزه مهر را روز دانش آموز و آغاز سال آموزش در دبستانها و دبیرستانها و دانشگاهها خوانده ایم که روزی است بس به یادمانندی.

پس، بدین دستایه رسیدیم که در ایران باستان، پیش از پیدایی آیین مزدیسنا، ایرانیان آیینی داشتند به نام «آیین مهر». در آن زمان، آیین هندوان و ایرانیان یکی بوده است. آیین یا کیش دویسنه (دیو پرستی) در کهنترین دبیره های تاریخ ایران به کار رفته است. در سنگ نبشته های روزگاران هخامنشی «خط» را دی پی «Dipi» یا «دیویری Diviri» خوانده اند که وابستگی آن، به «دوها» یا «دیوها» می رسد و واژگانی چون: دبیر، دبیری، دبیرستان، دبستان، دیبا، دیباچه، دیوان، دیوان خانه، دفتر و... همگی یادگار و برگرفته از همین نام «دی پی» است.

فشرده آن که دی پی «Dipi» به گونه ی «دب» در





روی مهرهای استوانه‌یی که از کاوشها به دست آمده، می‌توان این دبیره را دید.

دبیره‌ی میخی نگاره و نگاری در ایران رو به رسایی رفت و در پایان پادشاهی کوروش بزرگ به «دبیره‌ی آباتایی» چهل و دو واتی دگرش یافت. در پایان روزگار هخامنشیان در ایران، سوای دین دبیره و دبیره‌ی میخی که ویژه‌ی سنگ نبشته‌ها و توپال نوشته بود، دبیره‌هایی دیگر نیز روایی داشت که گونه‌یی از آنها در تخت جمشید کنده کاری شده است و می‌توان گفت که این دبیره همان «آم» یا «هام» دبیره بوده که آن را بر روی سکه‌های هخامنشیان نیز به کار می‌برده‌اند.

در روزگار اشکانیان، دبیره بسیار گونه‌گون می‌شود که دبیره‌ی پارتیک یا «پارسیک» یکی از آنهاست. از دوران اشکانیان، بدبختانه یادمانهایی از دبیره بسیار ناچیز به دست ما رسیده است. جز دبیره‌های سکه‌ها و مهرها و مانداکهای به دست آمده در نسا و تورفان، دو دبیره که بر روی پوست نوشته شده و به نام بُنچاکهای اورمان سرشناس است که به دبیره پهلویک (پرتویک - پارسیک) همانا دبیره‌ی روزگاران اشکانی است. این دبیره همان دبیره‌یی است که از زمان کورش و پیش از او برای نوشتن دیدگاهها و پُرسمانها در روی پوست به کار می‌رفته و به آن «دبیره‌ی آریایی» می‌گفته و دبیره‌یی را که برای کنده کاری در روی سنگها و کِل نوشته‌ها به کار می‌رفته آن را «دی‌پی» می‌نامیده‌اند.

در دوره‌ی ساسانیان، چون به دبیره و دبیره‌ی و شیوایی و رسایی سخن نگرش می‌شد، دگرگونی و گونه‌گونگی دبیره بیشتر به چشم می‌خورد. فردوسی از نگرش به دبیره و دبیری در این دوران در شاهنامه یادآوری می‌کند. در دوره‌ی ساسانیان، بر پایه‌ی دبیره‌های گوناگون، گویا سی گونه دبیره بوده است. تنها از آم دبیره، به تنهایی نزدیک به ۲۸ خامه بیرون کشیده شده است. برخ از آنها بدین گونه است: دین دبیره، واسف دبیره، گشته دبیره، نیم گشته دبیره، آهام دبیره، فرورده دبیره، ویش دبیره، شاه دبیره، راز دبیره، شهر هماره دبیره، روانکان هماره دبیره، گنج هماره دبیره، هوزوارشن دبیره، هوریانی (سریانی) دبیره، **خط مانی، خط پارسی.**

در خور یادآوری است، یکی از نشانه‌هایی که ایرانیان پدید آورنده‌ی دبیره در جهان بوده‌اند این است که برای مار و مارگری و شماره و شمارش و شمارنویسی چند گونه دبیره‌ی شماره نویسی پدید آورده بودند و همچنین

برای نگاهداری و نگاهداشت گونه‌های آوا و آهنگ و خنیا، دبیره‌یی ساخته بودند به نام «واسف دبیره» که دارای نویسه‌ها و نشانه‌هایی بوده است. گرچه در میان دیگر مردمان و سرزمینها و دودمانها، نه برای خنیا و نه برای مارگری و شمارشهای گوناگون، دبیره‌هایی ویژه نبوده است.

ناگفته نماند که **فینیقی‌ها**، مردمی بازرگان و سوداگر و دریا نورد بودند که در نوار نیمروزین - باختری ایران می‌زیستند و از دیرباز با دودمانهای ایرانی داد و ستد و رفت و آمد و نزدیکی و همسایگی داشته‌اند. آنان دبیره (خط) را از ایرانیان فرا گرفتند، زیرا دبیره برای کارهای بازرگانی بسیار در خور نیاز بود. فینیقی‌ها مایه‌ی پخش و پراکنش این دبیره‌ی ایرانی میان دوده‌های سامی و باشندگان بخش مدیترانه شدند.

**پس، ریشه و پایه‌ی دبیره‌ی عبری و آشوری و کلدانی و لاتین از دبیره‌ی فینیقی‌هاست که خود برگرفته از دبیره‌ی پارسی است. دبیره‌ی فینیقی، مادر دبیره‌های رونی، اترسکی است که سپسها دبیره‌ی لاتین از آن بیرون آمد. همچنین دبیره‌ی فینیقی مادر دبیره‌های نَبَطی، کلدانی، سبئی و لحيانی است.**

در آغاز پادشاهی ساسانیان، «مانی» که شاهزاده‌یی از دودمان اشکانی و مردی اندیشور و جنبشی و خیزشی بود، در ۱۴ نیسان ۲۱۶ ترسای، نزدیک بابل از شهرهای باستانی ایران، دیده به جهان گشود و در سال ۲۷۳ در گندی شاپور به دار آویخته شد. وی نگرشی ویژه به دبیره و دانش داشت و برای آن که خواندن و نوشتن را در میان مردم همگانی سازد، دبیره‌یی نو و تازه آفرید که آموختن آن بسیار ساده و آسان بود. مانی به خوشنویسی و زیبا نویسی و نگاره‌گری نگرشی ویژه داشت و از همین رو، این دو «هنر» در آیین او جایگاهی بس بالا و والا یافتند و آیین مانوی مایه‌ی گسترش و پیشرفت این دو «هنر» در جهان گردید.

مانی زبان پاترمی خود **پهلوی** و زبان زادبوم خویش همانا آرامی را نیکو می‌دانست. در همان زمان در آن بخش از آسیا زبان سریانی و یونانی زبانهای دانشی و ادبی به شمار می‌رفت. مانی به زبان سریانی بخوبی آشنا بود و نوشتارهای دینی ترسای را بدین زبان خوانده بود. برای روایی دینش در سرزمینهای باختری، شش نوشتارش به زبان سریانی و یک دفترش که «شاپورگان» باشد، به زبان پهلوی بود.



واره ی سنگ نبشته های هخامنشیان است که پرمغزترین سخنی که در آن زده شده است، از داریوش است در سنگ نوشته ی تخت جمشید: «هورامزدا این کشور را از دشمنی، از خشک سالی و از دروغ بیایاد». این سخن سرآمد همه ی سخنان است، زیرا پس از گذشت دو هزار و چند صد سال هرگز ارزش خود را از دست نداده است. هنوز هم اگر کسی بخواهد آزا و نیایشی از برای ایران بکند، بهتر از آن نمی یابد.

«گات» ها کهنترین بخش اوستاست که از دید دانشمندان و پژوهشگران از سخنان خود زرتشت است. این نوشتار به سرواد است. در خور یادآوری است که گاتا به چم سرود می باشد. از همین رو، چون سرواد از نوشتار بیشتر در یاده و پنداره می ماند به همین انگیزه تا کنون پابرجای مانده است.

اشو زردشت، هورامزدا را به شیوایی و رسایی در سروده های خویش آورده است. «گات» ها که نخستین سرودهای سروادگونه ی جهان است از روش درست زیستن و رستگار شدن سخن می گوید. «گات» ها، اندیشه پرور و خردگراست و برای همه ی آدمیان در هر جا و زمان ساده ترین و بهترین نمونه ی رفتاری را به گونه ی کرویزی (منطقی) و به دور از هر گونه پندارهای پوچ گرایانه و نادرست، نمودار کرده است.

«گات» ها با برداشت «سرودهای پاک»؛ این چم را مردمی که پیام اشو زرتشت را به کار بسته اند، بر پایه ی باور و اندر یافت خود بر آن گذاشته اند. پیام «گات» ها در گفتار اشو زرتشت، مانتره است که به چم «گفتار اندیشه برانگیز» می باشد.

از دیدگاه «گات» ها، زندگی مایه یی آدمی باید با سپهر، سازگار و هماهنگ باشد و در بینش مینوی، آدمی باید با یاری وهومن دریچه ی دل خود را به سوی راز هستی بگشاید تا روشنایی راستین آن را ببیند.

سخن «گات» ها تنها برای دانایان است زیرا نادان و ناآگاه، بر پایه ی سهش تند و بی کرویزخویش پیش می رود و گوش شنوایی برای پیام اهورایی ندارد. هنگامی که دانا اندیشه ی راستی را می آموزد، باید دانش و بینش خود را به دیگران، بویژه به نا آگاهان برساند، تا پندار بافی و پوچیها از تودمان آدمی رخت بریند.

آری «گات» ها، سروده های وابسته به زرتشت است و در برگرفته ی باستانی ترین اندیشه به شمار می رود و آن نیز همان دل نگرانی را در بر دارد که داریوش یادآوری

پس از این که ایرانیان به آیین اسلام گرویدند، دبیره درایران دست خوش دگرگونی و دگرش گردید و یک باره، همه ی دبیره های گذشته و دیرین به دست فراموشی سپرده شد و تنها خط «دین دبیره» و «پهلوی» و «نیم گشته دبیره» که در روی سکه ها (دانگ) با آن نوشته می شد، تا سده ی پنجم کوچی کمابیش در برخ از جایگاههای ایران روایی داشت.

تاریخ دگرذیسی دبیره در سده ی یکم کوچی در ایران بسیار پیچیده و ناروشن است. دبیره یی که به نامهای «مدنی» و یا «مکی» و یا «کوفی» در آغاز اسلام در سرزمین تازیستان (عربستان) روایی یافت، تا آن جا که تاریخ نویسان آغاز اسلام گزارش می دهند، ریشه و بنیاد و پایه اش از دبیره ی مسند یا خمیری [هاماوران] است که از شهر انبار و عمان که هاماوران باشد به تازیستان راه یافته است.

لغات اسلامی می نویسد که خط مسند وابسته به مردم «یمن» بوده و این مردم نیز آن دبیره را از ایرانیان گرفته بودند.

دبیره یی که به نام «خط کوفی» در آغاز سده ی یکم کوچی در تازیستان روایی داشته، همان «خط مسند» یا «خمیری» است. گفتنی است بانگش به این دبیره ها در می یابیم که گفتن «خط کوفی» به خط قرآن هایی که از سده ی دوم و سوم کوچی به دست آمده، بی گمان نادرست است. این دو دبیره هیچ گونه نزدیکی به یک دیگر ندارند. این خط «دبیره» نامی دیگر دارد و برگرفته از دبیره های ایرانی است، زیرا شماری از نویسه های این دبیره با دبیره ی پهلوی همسانی دارد و نشان می دهد که «خط مسند» یا «کوفی» برگرفته از دبیره ی پهلوی است.

در دنباله ی این داستان، در دبیره های گوناگون نشان داده شده است که بیشتر این خط ها پایه و مایه ی ایرانی دارد و به وارونه ی آنچه گفته شده، دبیره ی پارسی از تازی نیست لیک دبیره ی تازی از پارسی است. برای آگاهی بیشتر می توانید به گرفتگاهها و دبیره های یادآوری شده بنگرید تا درستی این گفتار برایتان روشن گردد. از همین رو، نامها و دگرش تک تک دبیره ها پی گیری نشد تا خواننده ی گرمی خود بررسی نماید و به فرآمد بایسته دست یابد.

امروزه اگر بخواهیم تاریخ اندیشه را در ایران پی گیری کنیم نخستین آسال و سرچشمه ی نوشتاری یا به دیگر گفتار «فرهنگ نوشتاری» «گات» های زرتشت خواهد بود. بخشهای دیگر «اوستا» نیز به دنبال آن می آیند. سپس



کرده است.

اکنون اگر به قرآن مجید (بزرگ آسمانی نامه) رو کنیم و تنها یک آیه از آن، همانا آیه ی «ن والقلم وما یسطرون» را بررسی نماییم می توان به ارزش «خامه» و آنچه می نویسد یا به راز «فرهنگ نوشتاری» پی برد.

آغازین بار ارزش خامه از سوی خداوند یکتا نمودار شد، آن هم به گونه یی که بدان سوگند یاد کرد. سوگند ی جاودانه و همیشگی. این سوگند مایه ی ارج نویسنده، نگارنده، نگاره گر، پیکره تراش و همه ی کسانی است که از کَلک و خامه بهره می جویند. گوارایشان باد این ارزندگی!

وات یا نویسه ی «ن» با همه ی سادگی، دامنه و گستره یی بس فراخ دارد. آری به پهن دشت زمین و آسمانها و هر آنچه در آن است. در بر دارنده ی همه ی رویه هایی است که بر آنها می نویسیم و می نگاریم. از پوست ماهی و پیاز و هر پوستی دیگر گرفته تا کنده کاری روی سنگ، گچ، خاک، گل، رُخنه و رویه های رایانه یی امروزمین.

**کَلک و خامه زبان دوم آدمی است.** این ابزار نیرومند آن چنان دبیزه سازی می کند و به واژگان و دبیره هاو زبانها و ریختها و نگاره ها جاودانگی می بخشد که هیچ گاه نیست نمی شود. **زبان خامه**، زبان باورهای کیشی، دینی، تودمانی، دانشی، کدیوری و ساستاری و... آدمی است که او با همین ابزار بس ساده می تواند و یارای آن را دارد که با گفتاری نیک، پنداری نیک و کرداری نیک زندگانی خویش را سر و سامان بخشد و خویشتن را جاودانه گرداند. در این دبیزه سازی راستین، واژگان بسیار سنجیده و پخته کنار هم می آیند و نمود می کنند تا رسایی زبان نویسنده و اندیشه ی او بیشتر هویدا شود و ماندگاری یادمان بهتر آشکار گردد. در ساخت و دبیزه سازی با خامه هر وات جایگاهی برجسته و والا دارد و از آنها چمی ویژه برداشت می شود.

**زبان خامه زبان همه ی اندیشه هاست؛ زبان پاکتها و راستتها و درستتهاست. خامه سپرده و ایرمانی است از سوی خداوند به دست آدمی. پس بزرگداشت و گرامیداشت این ابزار گرانبهای خدایی بس بایسته است.**

آری، اکنون در می یابیم که چرا خداوند آگاه در نامه ی چهارم یا روشنی نامه می فرماید: «سوگند به خامه و آنچه می نویسد».

### بیش آگاهی

نیک می دانیم که ایران کهن و بزرگ بر سر راه خورایان و باختران واپاختره و نیمروز، براستی پیرامون خود

کشورهایی تازنده و آسیب رسان داشته است و چون از همه ی سرزمینهای گرداگرد خود آبادتر و زیباتر می نمود، پس ناگزیر شده که از همان آغاز پیدایی و پیشرفت، کشوری **پدافندی** باشد.

زبان گفتار پایتخت هخامنشیان که گونه یی بسیار ساده شده از زبان ادبی و کهن سنگ نبشته های هخامنشی بود، پانصد سال پس تر به نام زبان «دری» همگام با پای گیری توان ساستاری ساسانیان در بسیاری از جایگاههای ایران همچون زبان همبستگی و سازگاری میان تیره های ایرانی روایی یافت.

زبان فارسی یا دری نزدیک به دوهزار و پانصد سال پیشینه دارد که از آن نزدیک به هزار سال نخستین، زبان گفتاردر نیمروز باختری ایران و سپس نزدیک به هزار و پانصد سال زبان گفتار و نزدیک به هزار و صد سال تازه هم زبان نوشتار در بخش بزرگ سرزمینهای پشته و گستره ی ایران بوده است.

اگر زبان فارسی پا نگرفته بود و از پیامدآن، اندیشه و ادب این مردم، این بلند بارو را بر نیفراشته بود، بی گمان ایران در کشورهای پیرامون خود از میان می رفت و آشکار نبود، از آن چه بر جای می ماند.

زبان فارسی بسیار بیشتر از گفتار داریوش که گفت: «نیزه ی مرد پارسی به دور می رود» پشتیبان و نگاهبان و نگاهدار ایران گشت و بسی فراتر از نیزه ی مرد پارسی رفت و «دبیره» اش هم سراسر گیتی را فرا گرفت و به چنگ آورد. پس بکوشیم تا زبان، این نماد همبستگی را پاس داریم و از نابودی آن پیش گیری کنیم. چه با نابودی آن نابودی خود را فراهم خواهیم کرد.

### فرآمد گفتار

فشرده آن که بزرگانی همچون: محمد بن علی فارسی سرشناس به ابن مُقله، دو برادر ارجمند ابراهیم و یوسف سگزی، ابوالاسود دوئلی، به آفرید، منگه، خواجه تاج الدین اختیار منشی، خاندان امامی اصفهانی، صالح بن علی رازی، میرعلی تبریزی، جعفر بایسنغری، میرعماد، گلستانه، ملک محمد قزوینی، ذوالریاستین و سد ها تن دیگر از دانشمندان و دبیره نگاران و خوش نویسان که همگی ایرانی بودند دبیره های گوناگون این کهن مرز و بوم را به اوگ زیبایی و بلندای هنری خود رسانند.

اینان همچنان، ویژگیهای بنیادین دبیره را که در روز آغاز و آفرینش آن، نگاره گری و هنری و پیکر بخشی بوده پی گیری و دنبال کردند.



ارتشهاست» سخنی بجا گفته است. باید آگاه بود که هستی راستین و جاویدان هر مرز و بوم تنها کانه‌های زیر زمینی و آساله‌های رو زمینی آن کشور نیست، لیک هستی پا برجای آن اندیشه‌های مردم آن است. اگر مردمان از درست اندیشیدن آگاه شده و با نیروی خود راه را بر اهریمن کژی و پلیدی و ناراستی و نابخردی بر بندند و نیروها و کارمایه‌های پنهان و آشکار خود را همسو سازند، به چنان توان و نیرویی دست خواهند یافت که از دیدگاه آنان هیچ کاری انجام نشدنی نخواهد بود.

در تاریخ ایران، نمونه‌هایی روشن و آشکار می‌توان یافت که در آن هنگام که نیروهای پنهان و آشکار مردم همسو شده و زیر یک درفش فراهم آمده، به پیشرفتهایی بس شگرف دست یازیده‌اند. پاینده ایران و ایرانی و اندیشه‌ی راستین ایرانی. ایدون باد.

### گرفتاها به سامان آباتای پارسی

۱- آوین، ماهنامه: فرهنگی، هنری، اجتماعی، معلومات عمومی، شماره‌های ۱ تا ۱۴.

۲- افراز، نامه‌ی درونی انجمن افراز، شماره هفتم، از پاییز ۱۳۸۳ تا بهار ۱۳۸۴ خورشیدی.

۳- بدانیم و سر بلند باشیم، دکتر منوچهر منوچهری

۴- بررسیهای تاریخی، شماره مسلسل ۲۲.

۵- بَغ مهر، مهندس احمد حامی، ۲۵۳۵

۶- تاریخ خطهای جهان، یوهان فریدریش، ترجمه‌ی فیروز رفاهی

۷- تاریخ هشت هزار سال شعر ایرانی، پژوهنده دکتر رکن الدین همایونفرخ، ج ۱

۸- چهل گفتار از چهل استاد در ایران شناسی، ویراستار پروفیسور سید حسن امین.

۹- دبیره، از استاد ذبیح بهروز

۱۰- ریشه شناسی (ایتمولوژی)، تألیف دکتر محسن ابوالقاسمی

۱۱- ریشه شناسی و اشتقاق در زبان فارسی، دکتر جواد برومند سعید.

۱۲- سنگ نبشته‌ها سخن می‌گویند، بدیع الله کوثر

۱۳- شاهنامه فردوسی (ژول مول، کلاله خاورو...)

۱۴- شاهنامه منثور، میترا مهرآبادی، ج ۱.

۱۵- فرهنگ ایران باستان، نگارش پور داود.

۱۶- فرهنگ ریشه‌یابی واژه‌ها، سید محمود طاهری

۱۷- نگاهی به دین زرتشت، نوروز سال ۳۷۴۱ یکتایی (۱۳۸۲ خورشیدی)

همان گونه که یادآور شدیم، دبیره که نوآوری و پدیده‌ی براستی ایرانی بود و در آغاز با نگاره‌گری رخسارها و رومانها و چیزها پدید آمد، امروزه نیز پس از گذشت دست کم ده هزار سال از آغاز پیدایش آن در سرزمینی که زاده شده بود، همچون پدیده‌ی هنری، زیبایی، گிரایی، ارزش و والایی هنرمندانه‌ی خود را نگاه داشته است.

گونه‌گونگی دبیره در ایران، چه در دوران کهن و باستان و چه پس از اسلام، گویای این راستینگی است که دبیره در ایران پدید آمد، زیرا در میان هیچ یک از مردمان سرزمینهای جهان به این اندازه و شمار گونه‌های دبیره‌هایی که ایرانیان پدید آورده‌اند، دیده نمی‌شود و یک در سد خوش نویسانی که در ایران سر بر آوردند و نام و نشان و کارشان برجاست، در دیگر کشورها و سرزمینهای اسلامی پدیدار نشده‌اند.

امروزه، خوش نویسانی برجسته در ایران زمین پدیدار شده‌اند که کارشان مایه‌ی شگفتی و به دیگر سخن، شاهکار و اوگ و بلندای «هنر ایرانی» است.

با بررسیهای انجام شده، این گونه در می‌یابیم که پدیداری دبیره در ایران بوده، دانشمندان گوناگون از سراسر گیتی آن را گواهی کرده‌اند. کمینه‌سی و پنج سده پیش از زاد سال ترسای این کار رخ داده و دست کم دبیره‌های هفتگانه (آم دبیره، گشته دبیره، نیم گشته دبیره، فرورده دبیره، راز دبیره، دین دبیره، ویسپ دبیره) پدید آمد که از هر یک از آنها دبیره‌های گوناگون ساخته و فراهم گردیده است.

آری، ایران کهن و بزرگ، پایه‌گذار دبیره بوده و این دانش و هنر و پاد نادانی از ایران به سراسر جهان راه یافته و اگر ایرانی بخواهد در هر کاری به یاری خدا توانایی بایسته را دارد.

### پسین گفتار

گفتار و نوشتار بزرگان و فرمانداران و فرزندان راستین، والاترین پدیده‌هاست. گفتار اندیشوران و بخردان و بویژه رهبران و فرمانداران دل آگاه و بینشوران روشن نهاد ایران همواره از اندیشه‌ی پر توان و بینشی بس شگرف سرچشمه گرفته است. از همین رو، گاه یک چنین سخنی مردم سرزمینی را به شور و جنبش درآورده و چنان کارآمدی و کارسازی در سازندگی و آبادانی و آفریدگاری اندیشه‌های مردم داشته که سده‌های فراوان یاده و پنداره و اندیشه‌ی مردم گیتی را به خود سرگرم داشته است.

آن خردمندی که فرمود: «اندیشه‌ها نیرومندتر از

